

خبر اخذ رتبه علمی- پژوهشی آن مجله از کمیسیون نشریات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مایه خرسندی شد. به نظرم رسید ارسال این نامه علمی و به عبارت دیگر، یک درد دل پژوهشی، گشایشی برای مسائل آموزشی مرتبط باشد.

در نیمسال اول سال تحصیلی ۸۲-۸۱، تعداد ۹۷ نفر از دانشجویان پزشکی، برای درس فیزیولوژی ۲ پزشکی که شامل مباحث فیزیولوژی اعصاب، کلیه و آب الکترولیت و pH و غدد بود، ثبت نام شدند. این درس توسط ۶ نفر از اساتید گروه فیزیولوژی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان تدریس شد. بر مبنای امتحانات میان ترم، پایان ترم و کلاسی، ۲۱ نفر از این دانشجویان (۳۲ درصد) موفق به کسب نمره حداقل ۱۰ نشدند.

معمولاً در چنین پدیده‌هایی، دانشجو مدعی خواهد بود که درس را کاملاً خوانده اما استاد آن درس نمره نداده است و یا حتی بیان می‌نماید که او در همه درس‌ها موفق بوده و فقط در این درس مشکل داشته است و یا اینکه اشکالاتی را بر نحوه گرفتن امتحانات مطرح می‌کند. در طرف مقابل، استاد درس مدعی خواهد بود که او ارزیابی صحیح را انجام داده و نمره دانشجو همین است که اخذ نموده است. در این صورت، به نظر می‌رسد پاسخ این دو طرف مدعی را می‌تواند یک امتحان استاندارد بدهد که بهترین آن، امتحان جامع علوم پایه است.

بدیهی است که این دانشجویان باید درس فیزیولوژی ۲ را تکرار می‌کردند و نمره قبولی کسب می‌نمودند تا واجد شرایط شرکت در امتحان جامع علوم پایه باشند که این فرایند انجام شد.

در امتحان جامع علوم پایه شهریور ۸۲ که باید این دانشجویان شرکت می‌نمودند، صرفاً ۱۵ نفر موفق به شرکت در امتحان جامع علوم پایه شدند و ۱۶ نفر دیگر که علی‌القاعده همگی در یک مقطع تحصیلی بودند، به دلائلی، موفق به شرکت در امتحان جامع نشدند. برای امتحان جامع مذکور، ۱۲۰ نفر ثبت نام کرده بودند که ۱۸ نفر غایب و دو نفر میهمان از دیگر دانشگاه‌ها بودند و بنابراین، تعداد شرکت‌کنندگان دانشگاه

علوم پزشکی اصفهان ۱۰۰ نفر بودند که ۱۵ نفر آنها از مجموع ۳۱ نفری بودند که در درس فیزیولوژی ۲ (پاییز ۸۱) نمره قبولی کسب نکرده بودند و بعد درس را تکرار و نمره قبولی اخذ و واجد شرایط امتحان جامع شده بودند. از این ۱۵ نفر شرکت‌کننده، ۳ نفر در امتحان جامع علوم پایه مردود شدند که آنها حداقل نمره را که فقط ۹/۴۲ از ۲۰ یا ۹۹ از ۲۱۰ بود، کسب نکرده بودند. اجازه دهید برای بررسی بیشتر و در قالب یک تحقیق، ۱۵ نفر مذکور را گروه یک و ۸۵ نفر شرکت‌کننده دیگر را گروه دو بنامیم.

میانگین نمرات این دانشجویان به تفکیک درس در امتحان جامع علوم پایه و همچنین نمرات آنان در دروس مقطع علوم پایه پزشکی مورد بررسی قرار گرفت. میانگین و انحراف معیار نمره کل امتحان جامع علوم پایه بر مبنای ۲۰ برای گروه یک (۱۵ نفر) و گروه دو (۸۵ نفر) به ترتیب برابر با $11/91 \pm 2/36$ و $13/06 \pm 2/24$ بود که تفاوت معنی‌داری را نشان می‌داد ($P < 0/05$). میانگین نمره کسب شده صرفاً از مبحث فیزیولوژی در امتحان جامع علوم پایه برای گروه یک و گروه دو به ترتیب $10/47 \pm 2/76$ و $11/72 \pm 2/78$ بود ($P < 0/1$) در حالی که گروه یک درس فیزیولوژی ۲ را حداقل دو بار گذرانده است. اگر نمره مبحث فیزیولوژی در امتحان جامع علوم پایه را برای گروه یک $10/47 \pm 2/76$ با آخرین نمره کسب شده در درس فیزیولوژی ۲ در مقطع علوم پایه که حداقل درس دو بار گرفته شده است ($11/68 \pm 1/56$) مقایسه کنیم، تفاوت معنی‌داری مشاهده نمی‌شود و در نهایت، نمرات اخذ شده از مبحث فیزیولوژی در امتحان جامع علوم پایه برای این ۱۵ نفر در گروه یک $10/47 \pm 2/76$ با نمره کل نهایی آنها در امتحان جامع علوم پایه که ملاک قبولی و یا مردودی امتحان است ($11/91 \pm 2/36$)، ضریب همبستگی $0/913$ را نشان می‌دهد و برای دیگر شرکت‌کنندگان (گروه ۲) ضریب همبستگی $0/77$ به دست می‌آید.

حال با این اطلاعات و با گذشت سه ترم تحصیلی، شاید بتوان به مسأله به گونه‌ای دیگر هم نگاه کرد. یک و نیم سال پیش تعداد افرادی که از درس فیزیولوژی نمره نگرفته بودند برای بعضی افراد دیگر ایجاد سؤال کرده و بدون تحلیل اظهار

می‌داشتند که تعداد مردودی‌ها زیاده‌تر از دیگر دروس است. ظاهراً معیار قضاوت آنان مقایسه درس فیزیولوژی با دیگر دروس علوم پایه بوده است. برای روشن شدن بهتر مطلب، بدون اشاره به سایر دروس علوم پایه این دانشجویان و صرفاً با حروف (حروف A, B, C, D و E)، میانگین نمره کسب شده این دانشجویان در پنج درس مقطع علوم پایه، با میانگین نمره آنها در مبحث مشابه در امتحان جامع علوم پایه، در جدول یک مقایسه شده است.

جدول ۱. مقایسه نمره اخذ شده در دروس مقطع علوم پایه با نمره مبحث مشابه در امتحان جامع علوم پایه در گروه یک

نمره اخذ شده	نمره اخذ شده	درس †
در امتحان جامع علوم پایه	در مقطع علوم پایه	
۸/۸۹±۴/۱۱	۱۲/۶۰±۱/۵۸	A
۸/۹۸±۳/۱۳	۱۳/۰۶±۱/۹۹	B
۹/۶۹±۲/۶۵	۱۶/۴۶±۲/۳۷	C
۱۰/۴۷±۲/۷۶	۱۵/۱۳±۳/۶۴	D
۱۲/۳۳±۴/۵۸	۱۶/۳۹±۱/۳۱	E

در تمام موارد $P < 0.05$ است.

† A, B, C, D و E نام دروس علوم پایه دانشجویان گروه یک است.

به نظر می‌رسد که حساسیت برخی مدیران به نمره نگرفتن دانشجویان و دانشجویان مردود شده و صرف وقت و چاره‌جویی برای آنان، بسیار بیش از صرف وقت و برنامه‌ریزی برای دانشجویان مستعد و کوشا می‌باشد. به اعتقاد بنده، نمره گرفتن و نگرفتن یک فرایند طبیعی در جریان آموزش، و به خودی خود، نه موضوع پسندیده و نه موضوع ناپسندی است. ضمن اینکه ارزشیابی صحیح، از اصول لاینفک و قابل احترام در هر نظام دانشگاهی و از حقوق مسلم استاد درس محسوب می‌شود و بنابراین، فارغ‌التحصیل شدن و یا اخراج از دانشگاه هم باید یک فرایند طبیعی محسوب گردد. ای کاش قیف ورود و خروج به دانشگاه به سان بسیاری از دانشگاه‌های دنیا وارونه می‌شد.

مهدی نعمت‌بخش

استاد گروه فیزیولوژی دانشکده پزشکی

دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

